

هرمز زیبای سرخ‌رو

سطح این سیاره از ابرهای ضخیم زرد، قرمز، قهوه‌ای و سفید رنگ پوشیده شده است. منطقه‌هایی را که رنگ روشن دارند، «ناحیه» و منطقه‌های تاریک‌تر را «کمر بند» نامیده‌اند. مدار چرخش هرمز به دور خورشید کمی بیضی شکل است.

اگر روی هرمز زندگی می‌کردید، برای دیدن سال جدید باید دوازده سال زمینی انتظار بکشید؛ اما برای این که روز بعدی این سیاره فرا برسد، فقط باید ۹ ساعت و ۵۶ دقیقه صبر کنید. به عبارت دیگر، هرمز بسیار سریع به دور خود می‌چرخد. دانشمندان می‌گویند این چرخش، سریع‌تر از چرخش سیاره‌های دیگر است.

وزن شما بر روی این سیاره بیش‌تر از زمین خواهد بود. نیروی جاذبه هرمز $\frac{2}{4}$ برابر بیش‌تر از سطح زمین است. بنابراین، جسمی که ترازوهای زمینی، وزن آن را یک صد کیلوگرم نشان می‌دهند، در روی هرمز وزنی معادل ۲۴۰ کیلو خواهد داشت. وزن شما روی این سیاره چقدر است؟ اگر دوست داشتید، بنشینید و محاسبه کنید!

بارزترین جلوه‌ی سطح هرمز، وجود لکه‌ی بزرگ سرخ رنگ است. این لکه در واقع، یک توده‌ی گازی چرخان است که به گردباد شباهت دارد. قطر لکه‌ی بزرگ سه برابر قطر زمین است. رنگ قرمز و قهوه‌ای ممکن است ناشی از مقدار کم فسفر و گوگرد موجود در آن باشد. این لکه با سرعت ۳۶۰ کیلومتر در ساعت می‌چرخد.

هرمز سیاره‌ی بسیار زیبایی است. سطح آن را ابرهایی با رنگ‌های متنوع تشکیل داده‌اند که از آمونیاک ساخته شده‌اند.

دمای هوا در ابرهای بالاتر این سیاره در حدود منفی ۱۴۵ درجه‌ی سانتی‌گراد است. اما هر چه به قسمت‌های زیرتر این ابرها برویم، دما بالاتر می‌رود.

دانشمندان تاکنون هیچ مدرکی از وجود حیات در این سیاره نیافته‌اند.

جالب توجه‌ترین ویژگی هرمز این است که دارای ۶۳ قمر (ماه) است. ۱۶ ماه هرمز قطری بیش‌تر از ده کیلومتر دارند و به همین جهت معروف‌ترند.

آیو، اروپا، گانیمد و کالیستو، بزرگ‌ترین ماه‌های هرمزند. گالیله اولین کسی بود که آن‌ها را

«مشتری»

که در فارسی آن

را «هرمز» می‌نامند.

بزرگ‌ترین سیاره‌ی

منظومه‌ی شمسی است و

بعد از تیر، ناهید، زمین و بهرام

قرار گرفته است. در واقع، این سیاره

پنجمین سیاره بعد از خورشید است.

ایرانیان برای نام‌گذاری سیاره‌ها از

اسطوره‌های فارسی استفاده کرده‌اند. برعکس

عرب‌ها که نام بیش‌تر سیاره‌های منظومه‌ی شمسی را

از اسطوره‌های رومی و یونانی گرفته‌اند. هرمز نیز در واقع

از نام «اهورامزدا» گرفته شده است. در فارسی برای مشتری،

انواع نام‌های مشتق شده از اهورامزدا مثل «هورمز»، «هرمزد»،

«ارمزد» یا «اورمزد» به کار رفته است. در عربی نام‌هایی مثل

«سعد اکبر»، «مشتی»، «منتھی‌الارب» یا «احور» به آن داده

شده است. در زبان‌های دیگر نیز آن را «ژئوس» یا «ژوپیتر» می‌نامند.

قطر هرمز ۱۴۲ هزار کیلومتر است؛ بنابراین، بزرگ‌ترین سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی است. این عدد، یازده برابر قطر

زمین است. حجم آن نیز ۱۳۱۲ برابر حجم زمین است. اما

نکته‌ی جالب این است که با این وجود، وزن آن تنها ۳۱۸

برابر وزن زمین است. دانشمندان بر این اساس نتیجه گرفته‌اند

که هرمز اساساً از گازهایی مثل هیدروژن و هلیوم ساخته شده

و به همین دلیل سبک است. دانشمندان می‌گویند اگر هرمز

دارای سنگ سختی هم باشد، فقط در قسمت مرکزی‌اش

می‌توان آن سنگ را یافت.

اگر این سیاره فقط هشتاد برابر جرم فعلی‌اش را داشت،

می‌توانست ستاره محسوب شود.

کشف کرد و به همین دلیل، به آن‌ها «قمرهای گالیله‌ای» می‌گویند.

گانیمد بزرگ‌ترین این ماه‌ها و تنها ماهی است که میدان مغناطیسی مربوط به خودش را دارد. این ماه حتی از سیاره‌ی عطارد هم بزرگ‌تر است. آیو نیز فعال‌ترین جرم آتشفشانی منظومه‌ی شمسی است. می‌گویند اروپا هم یک اقیانوس مایع یخ‌زده در زیر خود دارد.

هرمز میدان مغناطیسی بسیار قوی دارد. این میدان بزرگ‌ترین میدان در منظومه‌ی شمسی است.

هرمز هم مثل کیوان دارای حلقه است. البته این حلقه‌ها بسیار کم‌نورتر از حلقه‌های کیوان هستند. سه حلقه‌ی کیوان از ذرات ریز غبار ساخته شده‌اند.

تاکنون مأموریت‌های زیادی با هدف شناخت هرچه بیش‌تر هرمز انجام شده است. یکی از این مأموریت‌ها از طرف ناسا انجام شد. ناسا، فضاپیمای گالیله را در سال ۱۹۹۵ میلادی به درون جوّ هرمز انداخت تا برای اولین بار نمونه‌هایی را از جوّ آن آزمایش کند. ایالات متحده‌ی آمریکا تاکنون شش فضاپیمای بدون سرنشین را به هرمز فرستاده است. ستاره‌شناسان شاهد یک روی‌داد بی‌نظیر هم بودند. در

سال ۱۹۹۴ میلادی آن‌ها توانستند شاهد برخورد ۲۱ تکه از دنباله‌دار «شومیکر - لوی ۹» با اتمسفر هرمز باشند. این برخورد انفجارهای مهیبی به همراه داشت که قطر برخی از آن‌ها بزرگ‌تر از قطر زمین بود.

ادبیات داستانی جهان نیز از هرمز بی‌نصیب نمانده است. نمونه‌ی مهم آن یک داستان دنباله‌دار علمی - تخیلی با نام اودیسه است. این داستان را «آرتور چارلز کلارک» درباره‌ی سفرهای تخیلی به قمرهای این سیاره تألیف کرده است. این رمان از بزرگ‌ترین آثار علمی - تخیلی جهان به شمار می‌رود که «استانلی کوبریک» فیلم سینمایی معروف اودیسه را از روی آن ساخته است.

هما کبیری

«پوشش» دشمن «لرزش»

طبیعت وجود ندارد ندولی ممکن است ریشه‌ی طبیعی داشته باشند. از این دسته هم می‌توان به الیاف سلولز، استات سلولز، ویسکوز، اکریلیک و پلی‌پروپیلن اشاره کرد. از الیاف مصنوعی در تولید جوراب، دست‌کش، کاموا، انواع فرش‌های ماشینی و موکت، رویه‌ی مبلمان، پرده، تورهای ماهی‌گیری، بالن‌ها، چتر نجات، عایق‌های الکتریکی، وسایل

تو هم این روزها تغییراتی در کمد لباس‌هایت داده‌ای؟ مگر می‌شود زمستان بیاید و کمد لباس‌ها رنگ و بوی پشم و کاموا و شال و کلاه به خود نگیرد؟ زمستان یعنی سرما، زمستان یعنی پوشیدن چند لا لباس روی هم، زمستان یعنی بخار آبی که از دهان تو بیرون می‌آید، زمستان یعنی این که بدانی چه کار کنی تا سرما نخوری.

از همان ابتدای خلقت، انسان سعی داشت به نوعی خود را از سرما و گرما حفظ کند. ۵۵۰۰ سال پیش، مصری‌ها توانستند ریسندگی و بافندگی را یاد بگیرند. چینی‌ها نیز ۳۶۰۰ سال قبل، کرم ابریشم را پرورش دادند و به این ترتیب مشکل پوشش خود را حل کردند. سال‌ها بعد «رابرت هوک»، دانشمند انگلیسی، به این نتیجه رسید که غیر از الیاف طبیعی می‌توان الیاف مصنوعی هم برای آماده کردن لباس تهیه کرد.

حتماً تو هم شنیده‌ای که برای تهیه پارچه باید از الیاف طبیعی یا مصنوعی استفاده کرد. پنبه، کتان، کنف، رامی، پشم و ابریشم جزو الیاف طبیعی‌اند. این الیاف، در واقع از طبیعت و بدون نیاز به تغییر کلی در شکل آن‌ها به دست می‌آیند. به‌عنوان مثال، پشم را همه‌ی شما می‌شناسید. همان که پدر «حسنی» از بدن گوسفند تراشید و مادرش ریسید و برایش یک لباس زیبا بافت!

دسته‌ی دیگر الیاف که از آن‌ها نام بردیم، الیاف مصنوعی‌اند. همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست به گروهی از الیاف نساجی گفته می‌شوند که با روش‌های خاص تولیدی و به‌صورت مصنوعی تولید می‌شوند. این الیاف به‌طور معمول در

نوجوان

شماره ۶ اسفند ماه ۱۳۸۷ صفحه‌ی ۱۲

